آژیر

دارنده امتیاز و مدیر مسئول
ج. پیشه‌وری

آژیر روزهای یکشنبه ـ سه‌شنبه پنجشنبه منتشر میشود
این روزنامه عضو جبهه آزادی است

سال دوم شماره ۱۸۸ — صبح پنج شنبه ۱۶ شهریور ماه ۱۲۲۳ — تک شماره یکریال و نیم

« برای اشتراک »

سالیانه ۲۵۰ ریال
ششماهه ۱۴۰ «
برای کارگران و کشاورزان و معلمین و کارمندان حق‌الزحمه‌ای صدی بیست تخفیف منظور میگردد

برای آگهیها باداره آژیر مراجعه فرمائید

تلفن اداره: ۲۰۰۰۱ (۲ خطه)

خارج از جلسه رسمی

مجلس شورای ملی پشت پرده تآتر

اگر بخواهیم این تئاتر را شرح دهیم هر گز پشت پرده تآتر دست نمیکشیم.

در هر پیشگاه و ملی که اساس کار در دست ملی نباشد مجلس و کلاهای مردمان نوکر اشراف و جانب میکنند تقلب مردمان بیچاره و بدبخت هستند.

جلسه دیروز آکثریت و بدخواهی آقا و دوستان کاب ترک‌ها و فرقه‌چیان و الکل و بهره گیها است بدست مردم داده زندگی تلخ بار این مردمان ظاهرا فرشتگان اشکار میدهد.

این موضوع بیشتر در موقع آکثریت هاوا فقط باید دوروی من بدانیم بدهد.

از چندین هفته وضع نمایندگان دوره چهاردهم مجلس شورای ملی را از نزدیک دیده گان آزمیسنه نشسته بود هر دو عکس آن هست که میخواهند نمایش بدهند و در پشت پرده بخاطر عملیات در پرده هر دو نمایش داده میشود از برای دوره دوم و تئاتر آوری انجام میگیرد.

البته در پشت صحنه مجلس هر دو عادی و دیگر و مردم گی نمایش آکثریت ها صفات و تعریف معنوی و اخلاقی حکمه‌فرما دارد.

برای مثال چند نمایش نمایندگان دوره سه‌شنبه پشت پرده آقای نمایندگی مجلس را در این سه قطعه میکنیم.

سید ضیاء الدین در رل پهلوان دروغی

چند نفر از باز وسیاست هوکه در زبان بازاری متوالی نامه‌ها میشود برای منظور و مقاصد پست وحقیر خود وسط انداخته فراکسیونهای بی‌شناسی مردم و آزادی‌را بهم نزدیک کرده ـ و در آن کابینه اول آقای ساعد مفقود کرده.

با شرط تحویل وزیران وزیر با کابینه‌ای مرکب صنی پارلمانی دو نمایندگی خود را واحد انداخته گفتند ای بیچاره‌ها با ریاست ای باید تشکیل شود اعضای فراکسیونهای مجلس هم بیشتر نفعه نظری این عشوه‌ها بفریفته مشورت‌ها دوکر عملی کردن آن اقدام نمایند.

شاید برای اکثر آنها مصلحت ساده و طبیعی بود خیال میکردند دارند یک کار خوبی انجام میدهند.

یکمرتبه سر و کله آقای سیدضیاءالدین از پشت اکثریت بیرون آمده با هنجمال پررونق پیدایش آنرا بصحاب خود گذاشت روی جاطلبی در یکی از جلسات رسمی کاری کرد که تقریبا همه نمایندگان بفرش از حرکت چکمه‌ای ایشان متنفر شدند آن این بود دست خود در روی میز گذاشته بعون پرواگردن خود را بازیت مخصوص آکثری کج کرده مثل « پهلوانیکه شکست خورده باشد کت حریفرا بوسیده ازمیدان خارج شود »

بیچاره تصور کرده بود که خود اوست دارد حسطنی میگیرد و واقعا در مجلس پهلوانانی هستند که دارند مردانه باهم نبرد میکنند.

کشتی و پهلوانی کار مردمان غیور و باشهامتی است مناسفانه چنین قهرمانانی را میان اکثریت نمی بینیم.

بازی اکثریت دوست کردن آنها بیشتر بعملیات پنهانی راه‌زنان شباهت داردانیها ازپشت سر که بینه‌ایکه بازور بازوی خودروی کار آورده بودند خنجر زدند.

سید ضیاء الدین در رل پهلوان دروغی

چند نفر از باز وسیاست هوکه در زبان بازاری متوالی نامه‌ها میشود برای منظور و مقاصد پست وحقیر خود وسط انداخته فراکسیونهای بی‌شناسی مردم و آزادی‌را بهم نزدیک کرده ـ و در آن کابینه اول آقای ساعد مفقود کرده.

با شرط تحویل وزیران وزیر با کابینه‌ای مرکب صنی پارلمانی دو نمایندگی خود را واحد انداخته گفتند ای بیچاره‌ها با ریاست ای باید تشکیل شود اعضای فراکسیونهای مجلس هم بیشتر نفعه نظری این عشوه‌ها بفریفته مشورت‌ها دوکر عملی کردن آن اقدام نمایند.

شاید برای اکثر آنها مصلحت ساده و طبیعی بود خیال میکردند دارند یک کار خوبی انجام میدهند.

یکمرتبه سر و کله آقای سیدضیاءالدین از پشت اکثریت بیرون آمده با هنجمال پررونق پیدایش آنرا بصحاب خود گذاشت روی جاطلبی در یکی از جلسات رسمی کاری کرد که تقریبا همه نمایندگان بفرش از حرکت چکمه‌ای ایشان متنفر شدند آن این بود دست خود در روی میز گذاشته بعون پرواگردن خود را بازیت مخصوص آکثری کج کرده مثل « پهلوانیکه شکست خورده باشد کت حریفرا بوسیده ازمیدان خارج شود »

بیچاره تصور کرده بود که خود اوست دارد حسطنی میگیرد و واقعا در مجلس پهلوانانی هستند که دارند مردانه باهم نبرد میکنند.

کشتی و پهلوانی کار مردمان غیور و باشهامتی است مناسفانه چنین قهرمانانی را میان اکثریت نمی بینیم.

بازی اکثریت دوست کردن آنها بیشتر بعملیات پنهانی راه‌زنان شباهت داردانیها ازپشت سر که بینه‌ایکه بازور بازوی خودروی کار آورده بودند خنجر زدند.

کابینه ساعد

رای اعتماد گرفت

در جلسه روز گذشته دراز فعال مرافعین کابینه آقای ساعد معرفی شد ، اعضای فراکسیون آزادی در جلسه حاضر نشده بودند منتظرین را باوجود وجد راضی کرده جلسه کشانده باکمک آنها توانسته بودند جلسه را رسمیت بدهند ازحالا وضعیت کابینه ثابت و محکم بنظر نمیآید ، در فراکسیون آزادی اختلاف شدیدی پیدا شده است. مناصر صالح از نیرنگ وسفاهتیکه خورده‌اند سخت پشیمان هستند. آقای مهندس فریور درجلسه گذشته تظاهراتی کرده‌اند که درجه‌نفع ایشان وسایر افراد حزب فراکسیون آزادی تمام شد ، استقبال فری‌پرور وفراکسیون نامبرده بهم خورده مناصر غیر متهاجس که درآن گرد آمده اند برای همیشه ازهم جدا میشوند.

بنابه پیشبینی مطلعین کابینه ساعد ممکن نیست بتواند ادامه پیدا بکند ، اکثریت مقصود بسیار کوچکی داشت که پس از ادیا آن خود در براندانتن ساعد پشقدم خواهد بود ،

در این مساله سر مناصر خوب فراکسیون آزادی کلاه رفته است.

در هر صورت باید منتظر حال شد ، میگویند از کابینه جدید بوی نفت میآید ، بعداز دو تولید وسقط‌شدن کابینه‌ها موضوع نفتش اولرا بازی خواهد کرد ،

شاه سابق

یک میلیارد تومان در بانکهای خارجه دارد

موضوع وجوهیکه شاه سابق در بانکهای بیگانه داردمسکوت‌ولاینحل مانده ، معذلک مطلب بقدری مهم است که شایسته بود افکار عمومی و جراید بیشتر در این باره موشکافی کنند ، چهارده سال پیش نگارنده در یکی از مجلات مالی انگلیسی زبان خواندم که شاه سابق را سزو بزرگترین ثروتمندان جهان نام برده ومبنای این ادعارا مبلغ هنگفتی که مشارالیه دربانکهای امریکا دارد قرارداده بود ،

مجله مزبور در آزمان (چهارده سال پیش) این مبلغ را به شصت ودومیلیون دولار تخمین میزده بعدها مبالغ گزاف دیگری باین مبلغ افزوده شد ، می دانیم که حرص تصرف و غصب املاک مردم بعد از آن تاریخ آغاز گشت ،

و املاک « خریداری » عواید سرشاری میآورد ، عواید املاک ساطنتی در سال آخر ۱۳۲۰ بقرار برآورد خیرگان بسالی هفتاد میلیون تومان بالغ میگشت ، یکی از مطلعین که از طرف وزارت کشاورزی درآن اوان دراملاک شاهی مازندران کار میکرد اظهار میداشت که عواید حاصله ازفروش‌هرمحصولی باقی درصفحه ٤

اعتبار نامه نمایندگان تبریز

در جلسه دیروز آقای ناصرقلی اردلان پس از تذکر دراطراف ماده ۹۷ نظامنامه پیشنهاد نمودند اعتبارنامه‌های تبریز مطرح شود و عنوان توضیح اظهار داشتند که باید نسبت باین پیشنهاد رای گرفته شود بنده دراطراف این موضوع روز گذشته با آقای مخبر ذرعنمند رئیس سابق شعبه ۲ مذاکره کردم شعبه مذکور دوره‌اش سه ماه بود ودو این مدت بالاخره تکلیف اعتبارنامه‌های نمایندگان تبریز معین نشد و این قضایا همانطور معوق مانده است ، اگر بناست انتخابات آنشهر تجدید شود خوبست زودتر اقدام شود والا باین ترتیب عده‌ای از افراد کشور بدون نماینده وسر گردان گذاشتن معنی ندارد ، بنده تقاضا دارم باین پیشنهاد توجه شود ،

سرود آذربایجان

انجمن روابط فرهنگی

از قرار یکه روزنامه خاور بواطلاع میدهد شعبه انجمن روابط فرهنگی ایران وشوروی ۲۱ مرداد ماه رسما تشکیل آقایان رادیو اصفاهان استان سوم و آقای مرکز کشور آذوری سمت ریاست انجمن و آقایان زیر عضویت انجمن انتخاب شدند بعداز ظهر روز الهامی ، معروف تعدی ، محمد علی صفوت ، رسول هلال ، سرتیپ خسروانی ، محمد عباسی ، شاه اسمی ، دهقان ، آقای رئیس فرهنگ ، محمود ، و ضیاء سوری ،

انتشار رایحه بی امضاء

روزنامه خاور تو میوسیه در شور تبریز نشریه بی امضای انتشار داده پیشتر ، البته آنجا ، نقی مجیدزاده را مورد حمله‌های هر آزاد انواع قرار داده‌اند [illegible] را [illegible] قلمی انتشار داده [illegible] در [illegible] اصلاحات و روزنامه‌نگاران که [illegible] آورده است [illegible] روزنامه آقای آذوری [illegible] روزنامه‌نگاران تصور کرده اند ، مدیر روزنامه از خود سلب مسئولیت کرده میخواهد بگوید اگر نگارش مجید زاده ایرادی داشتند در روزنامه خود رسما میگفتند.

این کار چگونه است اگر واقعا مجیدزاده وبا اصلاح اصلی خلاف و یا خیانتی مرتکب شده اند باید رسما با امضای خود اعلام کنند که موثر واقعه شود والا اسم بی‌حمیت و ضعیف و بی‌کره‌ی را بکار زدن جرئی است ، فلا روشنفکران فورا حاضر را واضحه مقامات قانونی تا ـ بکنند اصلا این کارها زشت است باید مردمرا صراحت عادت دهد.

پرسمرزار سردار ملی

مقاله زیر در شماره ۲۲ روزنامه میهنپرستی اصفهان نگاشته شده است ،

نخستین روزی که توده ملت ایران ستارخان را دید موقعی بود که از این مجاهد ن داوطلبانه بیرون آمد تاروند اکرم السلطان را دستگیر کند آنروز او تفنگ خود را بلند کرده در وسط توپخانه ایستاد و پای خود را بزمین کوبیده گفت « من حاضرم برای ایران جان خودرا فدا کنم » آنروز ملت اورا ستارخان قره‌داغی میشناخت ولی مدها پیشروی او در جاد و صف مجاهدین و انجمن ایالتی آذربایجان و شکست عین‌الدوله ورورد او بتهران در ۱۳۲۲ هجری او را بنام سردار ملی زبانزد عموم ساخت و عاقبت پس از جنگها و فداکاریها دوسال ۱۳۳۱ در یک گوشهٔ باغ طوطی حضرت عبدالعظیم جسدان مرد و شید دوزیر خاکهای فراموشی مدفون شد ، و برای سالیان دراز آن قبر بوضع وقت آور گمنام ماند ، ستارخان مرد و لی حقیقت نمی‌مرد و بهمین دلیل بیناهیت سی و نهمین سال مشروطیت جبهه آزادی که از یک عده مشروطیت آزاد خواه مرکز تشکیل شده مجلس تذکری برسرمزار این مردشجاع آزادیخواه برپا نمود تا آنروز اغلب میدانستند سردار ملی زکجا خاک سیاه بالین ساخته و نامت رشید این سرباز تبریزی در کجا مدفون شده و آن باب پر از آتش میهن پرستی در زیر کدامسنگ خاموش و فراموش گردیده زیرا جامعهٔ حق شناس آن خدمات گرانبها و ازیاد برده بود و حتی بطوریکه دو جراید مرکز خواندیم خانهٔ ستارخان هم در تر استیصال باز مانده گانش فروخته شد ، در دوره بیست سالهٔ قلدری که بنامر دیکتاتور خودسر بنام عمران و آبادی هزاران بنا و مهمانخانه و ساختمان در شمال ایران بامعاوح هنگفت و نازیبنات محال ساخته و پرداخته شد وصدها مجسمه یک شکل درتهران وولایات برپا آوردید حتی یک چهار طاقی بر سر قبر شهدای مشروطیت نساختند ودوسالهائی که صدها مجلس پرورش افکار ونطق و خطبا به وسیله‌سرائی تحت توجهات تشکیل شد یک کلمهٔ واجع بشهدای آزادی نوشته و گفته نشد و برای اولین دفعه امسال قبر سردار ملی بوسیلهٔ جبهه آزادی گل‌باران گردید و بطوریکه شنیدیم دختر سردار

تآتر مجلس سوکه اری جبهه آزادی

دنبال در صفحه ٤

www.iranarchive.com

خاطرات یکی از مجاهدین قدیم تبریز

زارع نعمت آبادی (صمصام)

سردار خان چگونه مردی بود؟

جنابعالی که باستناد مجلس یادبود مرحوم سردار ملی روح شهدای آزادی را شاد فرموده اید از طرف خودو عموم آزادیخواهان آذربایجان تشکرات صمیمی را تقدیم و موفقیت آن نماینده محترم را استدعا میباشم چون در روزنامه شماره ۱۷۰ و ۱۷۹ آذر بایجان در مواردی که زندگانی مرحوم سردار ملی اشاره گردیده بود لازم دانستم برای مزید اطلاع خاطر شریف مراتب زیر را متذکر شوم.

این جانب غلامعلی زارع نعمت آبادی (صمصام سابق) که با مرحومین سردار ملی و سالار ملی در راه آزادی مجاهدت نموده و احضار آن مرحومین بتهران و چگونگی آنها اطلاعات کافی و هم بسوطی دارم که دالقرصه پیش خواهد رسید. فلاسفانه تاریخچه مبارزه و تربیت بتهران مرحوم سردار ملی پیش میرسید.

پس از آنکه شهر تبریز از محاصره بیرون شده مجتهدین و مرتجعین در مقابل مجاهدت و جانفشانی مجاهدین مغلوب و منکوب گردیده و تسلط شان از تبریز و اطراف قطع گردید در سراسر نقاط آذربایجان بسیجه بازی مشغول شده خواهین قره داغ و سایر نقاط را بر علیه آزادی برانگیخته و بلوای شورش را میکاشتند مرحوم سردار ملی و سالار ملی پس از فراغت از داخله در تبریز باین صدد شد که باغیان اطراف تبریز تنبیه و بوسیله استبدادی از صاحبان آذربایجان پاک و تمیز نماید اول صوب باسرآباد که صمدخان شجاع الدوله با سایر باغیان در آنجا علم طغیان برافراشته بود حرکت داده شد بعد مقدمات عازمت بود که رهسپار گردید پس از آنکه زدوخورد باغیان آنجا سر تسلیم فرود آورده و از میان برداشته شده بعد طرف قره داغ که رحیم خان چلبیانلو و غیره که اولین دشمن آزادی و قوی ترین بود حرکت کرده بقلعه قره قلع آنها محصور بودند که سردار بهادر و برادرانش صمدخان و پیریعقوب و سید کاظم و عده دیگر از آنها و غیره بکمک مجاهدین رسیده پس از تنبیه رحیم خان و فرار او بروسیه و تسلیم شدن ارشد خوقوقاه و ایل حسینقلو و سعد خانلو به تبریز مراجعت فرموده صفحه امور شهری اشتغال ورزیدند بعد از حل امور کشوری و پیشرفت آزادی روسای مجاهدین و مرحوم سالار ملی مشاوره و گفتگو بودند.

مرتجعین و مستبدین از این موفقیت در مجاهدین مشاهده کرده حقوقشان را بهوش آمده سرا و علنای بنای دسیسه ها را میگذاشتند تا اینکه یک روز گرانی از تهران رسیده که آقایان راه میخواهند با آقایان سردار ملی و سالار ملی حضورا مذاکره نمایند همان روز هم آقای معتبر السلطنه در تبریز بودند مرحوم سردار ملی و سالار ملی با هم مسلکان خود به تلگرافخانه نشریف آورده آقایان معتبر السلطنه و سردار بهادر و بیریعقوب خان و جمع دیگر نیز حضورهم رسانیدند پاآقایان وزرا که از جمله مرحوم سردار اسعد و سپهسالار بودند شروع بمصاحبه و مذاکره کردند آقایان وزراء بوسیله معتبر السلطنه اظهار نمودند که باید سردار ملی و سالار ملی چاپاری بتهران بیایند مرحوم سردار ملی باشنیدن این حرف با عصبانیت و شهامت ملی فرمودند مگر این اشخاص دیوانه هستند پس از این همه کشتار و جانبازی ما را بتهران چاپاری احضار مینمایند این چه بازی است در میآورند پس از اظهار این مطلب از جا بلند شده بمنزل خود تشریف بردند معتبر السلطنه که تیرش بسنگ خورد خواست با حیله و تزویر که عادت همه مرتجعین است مبنی این دو قهرمان یعنی سردار ملی و سالار ملی تفرقه انداخته و تولید نفاق بکند.

(مابین مقالها بدون اصلاح درج گردیم منظور نشان دادن معلومات و احساسات نویسنده آن بود)

نقل از روزنامه ایران قدیم

از نمایشات یکسال پیش تهران

از چندی قبل که اراده علیه همایونی اقتضا فرموده بود که کمپرو دار الخلافه بواسطه کار روشن خود و امتیاز دستگاه کار بجناب جلالتمآب اشرف سپهسالار اعظم داده شده بود مقدمات عمارت همایونی و سردرب الماسیه و جلو باب همایون و وسط میدان توپخانه چراغ الکتریسته مشتعل بود و این اوقات کارخانه کازهم فیصل یافته لوله های آن بعضی از خیابانهای شهر کشیده شده بود.

بموجب اجازه علیه همایونی عصر پنجشنبه یازدهم شهر ذیقعده جشن افتتاح کاز و اشتعال آن واقع شد در میدان توپخانه جدید مقابل صحن بزرگ یک چادر پوش مخصوص دولتی و دو طرفین آن چند چادر پوش دیگر زده درهمه آنها میوه و شیرینی و شربتی چیده بودند اطراف حوض چوبهای بلند نصب شده بسلق هر یک بارتفاع دو زرع از زمین صفحه بافتش شیر و خورشید روی آن صورت تاج کیانی زر نشان و بیرقهای کوچک الوان آویخته و از بالای آنها بدور حوض از هر چوب چوب دیگر ریسمان کشیده و مثل مراقع اعیاد بزرگ بیرقهای کوچک که بعضی چوب های کوچک مطلا بسته شده بود آویخته بودند در محازات چادر مخصوص دو ایوان جلو بالاخانه های میدان دو صفحه چوبی بزرگ باعلامات نظامی ایران و روی آن شیر و خورشید مجسم نقش صب کرده و باز بالاتر در دیوار بالا خانه های مذکور در دو موضع از همان علامات که بسلق بیرقها نصب کرده بودند قدری بزرگتر نصب بود و در مقابل چادر مخصوص آنطرف حوض دو دسته موزیکا. اینی نظامی ایستاده بودند نواب اشرف والا ولیعهد و نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ ادام اقبالهما و شاهزادگان عظام و وزرای فخام و بعضی از سرتیپان و امرای تومان و صاحبمنصبان نظام حاضر بودند جناب معتمد الملک و اردبین و آذربایجانی می آمدند در میدان ازدحام و جمعیت از سکنه شهر بود از فرنگیها مثل بعضی از مدیلین کشتی و تلگرافچیان انگلیس بازن و اطفال دو یکی از چادرهای پوش نشسته بودند در مقابل چادر مخصوص در مهمانی بالا خانه های میدان چند نفر زن فرنگی و شارژدافر فرانسه باتمام اتباع سفارت انگلیس و جنرال قونسول هلاند و رومانی و بعضی دیگر نشسته بودند موزیکا بچیان به نوبت و آهای فرنگی و ایرانی مینواختند و در ساعت هر چند دقیقه یکبالون بهوا میفرستادند و باشکال مختلفه که باکاز پر شده بود در اطراف بکیا چراغ مرکب میکرد خلاصه میدان توپخانه در آخر روشنائی آفتاب و اول طلوع ماه و تابش نور گی است که در زمان سلطنت شاهنشاه جمجاه ضمیمه اثرهای دیگری که در عهد فرخنده مهر این شاهنشاه عادل بادل در ایران بنی توجه ملوکانه بیادگار مانده خواهد گردید وقت مغرب همه مجمع به آن طرف حوض رفته نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ بمناسبت حکومت دار الخلافه بادهای ذات ملکوتی صفات بابرکات اعلیحضرت شهریاری بیکچراغ را که هفت شاخه داشت بالاسبابی که برای روشن کردن چراغ از مرجان وغیره ساخته شده بود روشن فرمودند

پس از آن از درب کارخانه الی میدان ارک و تمام میدان توپخانه چراغها روشن شد و کاز مزبور پاک و سفید و در نهایت روشنی بود و همگی شاهزادگان و وزرای فخام میدان ارک تفرج کنان رفتند اهالی شهر که درمیدانها و خیابانها مجتمع بودند مانند یکی از اعیاد ملی جشن و نشاط مخصوصی داشتند و از عموم خلق صدای دعا و ثنا بوجود نایب الوجود اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی بلند بود.

خبری سازمان چراغ گاز

نقل از اختر چاپ استامبول شماره ۳ تاریخ ۲۷ محرم ۱۲۹۹ هجری

در یکی از شبهای بیشتری (اختر) نوشته بودیم که بموجب اراده علیه اعلیحضرت پادشاه ایران مقرر شده بود که شهر پایتخت تهران شبها با کاز روشن شود این روزها عملیات آن بختام رسیده شب جمعه یازدهم ذیقعده شهر طهران بواسطه چراغهای کاز روشن شده است.

اخبار کشور

کمیسیون بودجه

از اعضای کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی دعوت بعمل آمده است که برای صبح روز شنبه ۱۸ شهریور در عمارت بهارستان برای تشکیل جلسه حضور بهمرسانند.

رفع توقیف مرد امروز

از روزنامه مرد امروز رفع توقیف شده و آقای نخست وزیر بفرمانداری نظامی دستور رفع مزاحمت داده اند.

در کانون هدایت افکار

عصر پریروز در کانون هدایت افکار راجع بوضع زندگی کار مندان دولت سخنرانی بعمل آمد

تاسیس دفتر پست و تلگراف

در درج از توابع بوجهنه دفتر تلگراف تاسیس شده و تلگرافات ها در دفتر مذکور پذیرفته میشود و نیز در کل تپه از توابع همدان که در ۶۰ کیلو متری تهران واقع است دفتر پست تاسیس و مرسولات پستی در دفتر مذکور پذیرفته میشود.

یاد مرحوم جواد آزادی

جناب مدیر باشگاه جراید مجلس یاد بودی بمناسبت فوت آقای جواد آزادی مدیر روزنامه عصر آزادی و نماینده مجلس شورای ملی منعقد خواهد شد.

این مجلس تذکر روز دوشنبه ۲۰ شهریور در تالار دبیرستان دار الفنون میباشد.

دادگاه سمیرم

صبح دیروز دادگاه رسیدگی بقضیه سمیرم بریاست تیمسار سر لشکر نقدی رئیس اداره نظام وظیفه باحضور متهمین در اداره دادرسی ارتش تشکیل گردید و آخرین مدافعات از آقای سرتیپ نخجوان فرمانده سابق لشکر اصفهان بعمل آمد

بازرس ویژه وزارت جنگ

طبق اطلاع که بدست آورده ایم سرتیپ احاری بسمت بازرس ویژه وزارت جنگ تعیین گردیده اند

وضع مشمولین دیپلمه

مشمولین دیپلمه که تاکنون برای تعلیمات مقدماتی به آمادگاه اعزام می گردیدند اکنون چون آمادگاه منحل گردیده برای ششماه اول به لشکرهای تابعه اعزام خواهند شد و گویا وزارت جنگ درنظر دارد ماده واحده ای برای اعزام مستقیم این قبیل مشمولین بدانشکده احتری بمجلس تقدیم دارد

کشف داروی مخدره قاچاق

در ساعت ۹ صبح دیروز طبق اطلاع خصوصی که به آقای سعد شاهد رئیس شعبه ادویه مخدره رسیده بود مشارالیه به اتفاق رسدبان اعتمادی نماینده اداره گمرکهای دوبندگاه کل در روئی بتجارتخانه وعده فروشی خوش مقام مراجعه نا زمن دستی تمام یک شیشه و بشکات محتوی باپاپاورین داخل مراکز مرض معلوم وزارت بهداری گزارش گردیده است

تلگراف وارده

یک اعتراض دیگر

ما کارگران راه آهن پل سفید با برادران متعدیده و غیور آذربایجان همدردی نموده از توهینی که نسبت برد و کلای حقیقی و آزادیخواه آنان بعمل آمده جدا اعتراض نموده و اظهار نفرت مینمائیم.

از طرف کارگران حکیمی

انتخاب هیئت رئیسه شعب مجلس

پیش از ظهر پریروز شعب شش گانه تشکیل گردیده هیئت رئیسه خودشان را بشرح زیر انتخاب نمودند:

شعبه اول — آقایان دکتر مصدق رئیس . عامری . نسایب رئیس . — فرمان فرمائیان مخبر . گنابادی منشی کمیسیون عرایض شواب فردوس کمیسیون متبرکات نفاست

شعبه دوم — آقایان ملک مدنی رئیس . اشتیانی نایب رئیس . مهندس فریور مخبر . اکبر ارداز منشی . عرایض اکبر متبرکات مجد ضیائی

شعبه سوم — آقایان بهبهانی رئیس فرمند نایب رئیس . صدر قاضی مخبر دکتر رنگنه منشی . عرایض افشار حاذقی متبرکات روحی

شعبه چهارم — آقایان دکتر شفق رئیس تهرانی نایب رئیس . نوائی مخبر فولادوند . مهندس پناهی منشی عرایض موید باشی . متبرکات دشتی

شعبه پنجم — آقایان دکتر طاهری رئیس دکتر کشاورز نایب رئیس — صدوی مخبر دکتر نی حاکبار منشی عرایض مقدر زاده متبرکات سرتیپ زاده

شعبه ششم — آقایان اسکندری رئیس رحیمیان نایب رئیس امینی مخبر مجید طباطبائی منشی عرایض سیف پور فاطمی متبرکات امینی.

برنامه امتحانات دانشکده حقوق

برنامه امتحانات کتبی شهریور دانشکده حقوق بقرار زیر است

سال اول : روز دوشنبه ۲۵ شهریور حقوق مدنی (از ۸ تا ۱۰ ونیم) بین المللی عمومی (از ۱۰ ونیم تا ۱۲ ونیم صبح) بعد از ظهر یکشنبه ۲۶ شهریور اقتصاد (از ۳ ونیم تا ۵ ونیم)

سال دوم : بعد از ظهر روز شنبه بیست و پنجم شهریور . اقتصاد از ساعت (۳ ونیم تا ۵ ونیم)

صبح یکشنبه بیست و ششم آئین دادرسی (از ۸ تا ۱۰) حقوق مدنی (۱۰ ونیم تا ۱۲ ونیم)

سال سوم اضافی : دوشنبه بیست و هفتم شهریور : حقوق مدنی (از ۸ تا ۱۰ صبح) تاریخ حقوق (۱۰ و نیم تا ۱۲ و نیم) بعد از ظهر حقوق مدنی تطبیقی از (۳ و ۵ تا ۵ و ۵)

سال سوم عادی : دوشنبه بیست و هفتم شهریور : دیپلماسی عمومی (از ۸ تا ۱۰ صبح) سازمان بین المللی (از ۱۰ ونیم تا ۱۲ ونیم)

بعد از ظهر جغرافیای اقتصادی از : (۳ ونیم تا ۵ ونیم)

توزیع کوپن

بخش کوپن های جدید برای مردم تولید اشکالاتی زیادی نموده و اداره جیره بندی باتم و زحماتی که کشیده است نتوانسته نظم و ترتیب برای این کار بدهد هنوز عده زیادی از مردم موفق به دریافت کوپن نشده و در بعضی از بخش ها بجای کوپن به مراجعه کنندگان فحش و کتک تحویل میدهند صبح دیروز در بخش ٤ شخصی که خود را رئیس بخش ٤ معرفی می نمود با کمال گستاخی نسبت به بعضی از مراجعه کنندگان توهین نموده و مامورین کلانتری در این امر با وی کمک مینمودند

قصی ها محلاتیها را از بی آبی میکشند

یک نسخه از بیانیه مفصلی که با امضای خورده مالکین قراء محلات منتشر شده بود بداداره رسید ، خواهش کرده اند درخصوص احقاق حق آنها مساعدت نمائیم.

البته موضوع جنبه حقوقی دارد . چون دوائر دادگستری اطلب تحت تاثیر متنفذین محلی قرار میگیرد لذا بیچاره ها ناچار بنمایندگان مجلس، وزراء و مدیران جرایده توسل گردیده خواسته اند بدینواسطه فریاد خودرا بمقامات صلاحیتدار برسانند.

اقرار معلوم آقای مصباح نماینده فم از مقام ونفوذ خودامتناده کرده قناتهای قراء محلات را غصب نموده باشتراک چند نفر از متنفذین وملاکین قم اسباب خرابی املاک خوردمالکین محلات را فراهم آورده اند.

ما از مقامات قانونی رسیدگی این امررا جدا خواستاریم

www.iran-archive.com

خبرهای جهان

اخبار گوناگون از رویتر

اعلامیه‌ای که ازجانب ژنرال بور راجع برزم های ورشو انتشار یافته حاکی است که دشمن از بامداد روز چهارم سپتامبر باهواپیما وتوپخانه شدید شهررا بمباران نمود مرکز برق منهدم گردید وابنک شهر از روشنائی محروم گردیده است وماناگزیر شدیم که منطقه کهنه شهررا ترک گوئیم.

•••

از روز بیست ودوم تا ۲۹ اوت تیربتر زره‌دار آلمانی شش بار ازطرف نیروی هوائی متفقین بمباران گردید ودر نتیجه خسارات فراوان دیده است.

•••

برطبق اعلامیه‌ای که ازطرف ارتش چك‌اسلواکی انتشار یافته است؛ لشکر آلمانی دررزم برعلیه قوای چك‌اسلواك شرکت دارند ودربرخی نقاط رزم‌های شدیدی درگرفته است.

•••

بنا براظهارات محافل مجاز قاهره احتمال می‌رود که دولت فلسطین نزدیر انجمن اتحادیه عرب اسکندریه که بیاید روز پنجم‌سپتامبر تشکیل یابد تاپایندگی داشته باشد.

•••

ژنرال ایزن‌هاور بامی بکارگران بیگانه مقیم آلمان فرستاده و از آنها درخواست کرده است که بنا بردستوراتی که بوسیله رادیو بآنها داده می شود داخل عمل گردند. دستورات اولیه قرار زیر است

که دستجات باید مواظب کارخود باشند کارگران باید کارخانه ها را ترك گفته وبمحلات پناه برند آلمانهابانداز کافی سرباز برای تعقیب آنها ندارند باید کارمندان رابطرا تحریم نموده‌اند این جنایتکاران را وارد به خود داری از کار تشکیل خود نمود.

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۳۰ر۱ر۱۳۲۳ آقای محمد علی‌سلطانی قاسمی بشناسنامه‌شماره ۳۶۵ باستناد بکبرك گواهی‌نامه و رونوشت قناسنامه داد خواست‌بشماره ۲۳ر۱ر ۱۳۲۱داده باینکه محمد جعفر سلطانی قاسمی دارنده‌شناسنامه شماره ۹۸۱۲ در تاریخ ۱۹ر۱۱ر۱۳۲۰ دوتهران چایگاه همیشگی خود فوت‌وحین‌الفوت‌ورثه‌متوفی منحصر بیك عیال دائمی بنام بانو حبیبه (سلطانی قاسمی) و سه‌نفر دختر بنام :انوان زهرا مقلبه بطلعت و دوشیزه مریم مقلبه بعثت و بانو بی‌بی سلطان قاسمی ودونفر پسر بنام آقایان احمدعلی‌سلطان قاسمی و علیمحمد سلطانی‌قاسمی متقاضی‌غیر ازشش‌نفر نامبرده‌ورثه‌دیگری‌نداردپس‌از شنیدن گواهی گواهان‌مراتب‌سه‌نوبت‌متوالی‌ماهی‌بکبار آگهی می‌شود باگذشتن مدت سه ماه ازتاریخ نشر اولین آگهی و نبودن‌معترض برحسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیزاگر کسی‌وصیت نامه از متوفی دارد درظرف مدت مزبور ابرازوالاهروصیت نامه غیراز رسمی و سری باشد ازدرجه اعتبار ساقط خواهدبود.

رئیس کل دادگاههای بخش تهران‌علی اکبر امامی‌اهری

نوبت‌سوم۱۶ر۶ر۲۳ ش۳۳۳

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۳۰ر۱ر۱۳۲۳ بانوتازی‌خانم سفیدی اصفهانی بشناسنامه‌شماره۳۱۵۷۹ باستناد بك برك‌گواهی نامه ورونوشت شناسنامه‌داد خواست‌بشماره ۲۹ر۱ر۲۴ داده باینکه عباس سفیدی اصفهانی دارنده شناسنامه شماره ۳۱۵۷۸ در تهران چایگاه همیشگی خود فوت و حین‌الفوت ورثه متوفی منحصر بیکعیال دائمی بنام بانوتازی‌خانم متقاضیه ودو نفر پسر بنام حسین‌بشناسنامه شماره۹۱ ومحمدعلی‌بشناسنامه شماره۹۷۰وسه‌نفر دختر بنام سانوان‌ام‌البنین بشناسنامه‌شماره ۳۱۵۸۰ وفاطمه بشناسنامه شماره ۱۷۳۸ ومنور غیراز شش نفرنامبرده‌ورثه دیگری ندارد پس‌از شنیدن گواهی گواهان‌مراتب سه‌نوبت متوالی ماهی بکبار درمجله رسمی‌وزارت دادگستری وبکی ازروزنامه‌های‌مرکز باطلاع میرساندکه هرکس نسبت بتقاضای‌مزبور اعتراضی‌دارددرظرف مدت‌مرقوم‌تقدیم والا پس از انقضاء موعدگواهینامه‌صادر خواهد شدو نیز در صورتیکه‌وصیتنامه از متوفی نزد کسی موجود وتا این‌تاریخ رسما ابرازو افتتاح نشده دو همان مدت بدادگاه تسلیم نماید والا بعد ازگذشتن‌مدت‌مزبور هروصیت‌نامه‌غیراز رسمی وسری ابراز شود از درجه‌اعتبار ساقط خواهدبود

رئیس کل دادگاههای بخش‌تهران- علی‌اکبر امامی اهری

نوبت اول ۱۶ر۶ر۱۳۲۳ شماره ۳۴۰

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۱۱ر۶ر۱۳۲۳ آقای سلیمان یزدی بوکالت از طرف آقای عطاءالله بینهاس کاشی طبق تقاضانامه شماره۸۷۰ ساله ۶ر۱ر۲۳ باستناد بکبرك گواهی نامه و رونوشت شناسنامه تقاضای گواهی حصر وراثت نموده بدین توضیح که آقاجان بینهاس کاشی فرزند سلیمان دارنده شناسنامه‌شماره ۷۵۳۵ در تاریخ ۱۱ خرداد ۱۳۲۳ درتهران چایگاه همیشگی‌خود فوت‌وحین‌الفوت ورثه متوفی منحصر به دو نفرپسر بنام‌عطاءالله بینهاس کاشی‌بشناسنامه شماره ۷۸ وپریروز بشناسنامه شماره ۷۳۱ وچهار نفر دختر بنام بانوان فرنگیس ومحترم که‌در حیات پدر بعقاله شوهر وفته اند وبانو پروین بشناسنامه شماره ۶۳۸ وبکمبال‌دائمی بنام بانوعشت بشناسنامه شماره ۱۷۵۳۴ غیر ازاین ۷ نفر نامبرده ورثه دیگری‌نداردپس‌ازشنیدن گواهی‌گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی بکبار در مجله رسمی وزارت دادگستری وبکی از روز نامهای مرکز باطلاع میرساند که‌هرکس نسبت بتقاضای مزبور اعتراضی داود درظرف مدت مرقوم تقدیم و الا پس‌از انقضاء موعد گواهینامه صادر خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت‌نامه از متوفی دارد درظرف مدت مزبور ابراز والا هروصیت نامه غیراز رسمی وسری ابراز شودازدرجه اعتبار ساقط خواهد بود.

نوبت اول۱۶ر۶ر۲۳ شماره ۳۴۱

رئیس کل‌دادگاههای بخش‌تهران علی‌اکبر امامی اهری

طلبه مجله زبان

روز شنبه ۲۵ شهریور از خواندن طلبه مجله زبان خود داری نفرمائید. ۳-۱

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۴ر۶ر۱۳۲۳ آقای رضا شمس آبادی بشناسنامه شماره ۱۰طبق تقاضانامه‌شماره۸۰۱ ساله ۲۱ر۵ر۱۲۲۳ باستناد بکبرك گواهی نامه ورونوشت شناسنامه تقاضای گواهی حصر وراثت نموده بدین توضیح که مرحومه بانوگرگ(مواجرقفقاز)دارنده‌شناسنامه شماره۱۶۷۱۸ در تاریخ ۲۱ر۳ر۱۳۲۳ در تهران جای‌گاه همیشگی‌خود فوت‌وحین الفوت ورثه‌متوفی منحصر به یکنفر برادر بنام آقای رضا شمس آبادی متقاضی غیر ازیك نفر نامبرده‌ورثه‌دیگری ندارد پس از شنیدن گواهی گواهان‌مراتب سه‌نوبت متوالی ماهی بکبار درمجله رسمی‌وزارت دادگستری وبکی ازروزنامه‌های‌مرکز باطلاع میرساندکه هرکس نسبت بتقاضای‌مزبور اعتراضی‌دارددرظرف مدت‌مرقوم‌تقدیم والا پس از انقضاء موعدگواهینامه‌صادر خواهد شدو نیز در صورتیکه‌وصیتنامه از متوفی نزد کسی موجود وتا این‌تاریخ رسما ابرازو افتتاح نشده دو همان مدت بدادگاه تسلیم نماید والا بعد ازگذشتن‌مدت‌مزبور هروصیت‌نامه‌غیراز رسمی وسری ابراز شود از درجه‌اعتبار ساقط خواهدبود

رئیس کل دادگاههای‌بخش‌تهران- علی‌اکبر امامی اهری

شماره ۳۴۰ نوبت اول ۱۶ر۶ر۱۳۲۳

مشتری کین محترم

هرکاه روزنامه شما تا ساعت ۱۰ صبح نرسید تلفن ۵۷۶ بنگاه‌ژر بخش اطلاع‌دهید تاقبوا فرستاده‌شود

اداره روزنامه اژیر

به‌خیابان‌لاله زاروباساژ بهلو جنب روزنامه داریا منتقل شد

www.iran-archive.com

قلم آناطول فرانس — ترجمه کریم کشاورز

برفراز سنگ سفید

۴

باری دیگر سر وا بلند کرده و در این آسمان ناشناس در این گنبد نیلگونی که اکنون از زمین نیز مسکون تر شده بود واز هر سوسکان دیرپزایل ها و پرنده‌ها هواپیماها میشکافتش در این آسمانی که ستونی از دوداز افق بسویش‌موذ کرده بود یك وجهه آشنا دیدم - خورشید رادیدم .از دیدنش میل گریستن کردم . از بامداد این تنها شکل آشنائی بود که دیدم . از ارتفاعش فهمیدم که دوساعت بظهردارویم . ناگهان درمیان گروه دومی از زن و مرد که روش و کسوت دسته اولی را داشتند واقع شدم .

بازدیدم که زنان با اینکه بعضی خیلی چاق و برخی‌خشك ولاغر و جمعی نیز غیر قابل سر زنش بودند بیشترشان بسردان شبیهند . این موج نیز بگذشت . میدان بطرفته العینی دو باره خالی از اغیار گشت . مانند کوبهای حومه شهر شده بود که فقط هنگام خروج کارگران از کارخانه ها هیجانی در آن مشاهده می گردد. جلو اعلانها ایستادم و تاریخ سال ۲۲۰ اتحاد اروپائی را بکبار دیگرخواندم . این دیگرچه معنی داشت؟

آطرف تر بنایه ازطرف کمیته اتحاد اروپا الصاق شده بود که بمناسبت جشن زواجت منتشر گشته و برای فهم این تاریخ وکشف کلیه این رمز وسیله‌ای بدستم داد . در آنجا نوشته شده بود: « رفقا شما میدانید که چگونه در آخرین سال قرن بیستم دنیای قدیم در طی یك طوفان اجتماعی بزرگی منهدم و بعد از پنجاه سال خروج و مرج اتحادیه اقوام اروپا تاسیس گشت ...الخ» س سال ۲۲۰ اتحاد اروپا معادل است باسال ۲۲۷۰ مسیحی . در این تردیدی نیست . فقط یك مطلب دیگر بایدروشن بشود چگونه من ناگهان در سال ۲۲۷۰ زندگی میکنم .

واهی را پیش گرفتم و میرفتم و باین‌معما میاندیشیدم‌بعود میگفتم : « تاناندازهای که اطلاع دارم مثل سرهنك فرکاس در اینمدت مدیدمرا بشکل موجودی ترش‌نگذاشته‌اند و ماشینی‌را که ولس‌بدان سیرزمان میکند نمیدانم . اگرهم مانندوایام ،وربس در خواب سه قرن بچلو چشته‌ام نمیتوانم‌بفهمم زیراکسی که‌خواب می‌بیند نمیداندکه خواب می‌بیند .من ایمان دارم که خواب‌نمی‌بینم .

در این اندیشه بودم وافکار دیگری نیز از مخیله ام میگذشت‌ودرعین حال در جاده درازی پیش میرفتم . ازدوطرف این جاده دیوارهای مشبکی دیده میشد واز ماوراء آن خانه‌های گلی رنگ مختلف الشکل ازخلال درختان به بیننده تبسم میکرد. ولی همه کوچك بودند . گوی ازصدها دیوارهای بزرك فولاد که آتش و دود ازآن برمیخاست بلندمیشدند در این ناحیه هستی که اسامی می توانستم بدان بدهم ترس‌و وحشت حکمفرما بود وهوا ازبرشی سریع ماشین‌ها مرتعش میشد ودرسرم انعکاس دردناکی تولید میکرد این جاده بچمنی منتهی میشد که درختانی چند در آن غرس و جویباراتی قطعش میکرد . گاوهای ماده آن‌جا دو چرا بودند .چشمانم ازاین منظره تروتازه متلذذ میشد وازسوی دیگر دیدم که روی جاده‌صاف ومستقیم‌دیگری سایه‌هائی‌دوحرکتند باد حرکتشان بصورت من‌خورد . فهمیدم که اینها ترامواي ! و اتومبیلهائی هستند‌که‌ازشدت‌سرعت حاجب ماوراء ایستند.

از آن‌جاده عبور کردم‌و دیری درچمن‌ها وجنگل ها راه رفتم . گمان میکردم که‌در قلب صحرا قرار دارم ولی نا گهان دومقابل خود خانه های بسیاری‌که پارکی حاشیه دار احاطه شان کرده بود مشاهده کردم بزودی جلوی‌قصری که مصاری سبکی داشت قرار گرفتم نقش برجسته‌ای جلوخان این عمارت را مزین میکرد و زم برجسته‌ئی را نشان‌میداد .ازپنجره‌های این بنامردان وزنانی راکه در اطاق بزرگی که‌بدور میزهای مرمر نشسته‌بودند دیدم .بروی این‌میزها ظروف زیبای‌براقش نگاری قراوداشت داخل شدم بنصور اینکه مومباغانه است گرسنه‌بودم ولی خسته شده بودم وخنکی این‌سالونی که باگل ومیوه وروباسین‌مزین بود بنظرم لذت‌بخش بود.

مردی که پهلوی در ایستاده بود ازمن‌کوبن خواست‌ووقتی دید من دستپاچه شده‌ام گفت :

« من می بینم که تو اهل اینجا نیستی چطور تو بی کوبن مسافرت میکنی ؟ نمیتوانم توبا بپذیرم . بر نماینده‌کارگزینی را پیداکن . و اگر عاجزی ونمیتوانی‌کار بکنی به نمایندهٔ معاونت عمومی مراجعه کن .

من گفتم که بهیچوجه عاجز نیستم واز او دور شدم. مرد گنده‌ای که درهمان حین خارج شد وچیقی بدهان داشت باملاطفت تمام بمن گفت :

« رفیق، لازم نیست به‌نماینده‌کارگزینی مراجعه‌کنی . من نماینده نانواخانه این بخش هستم . یك رفیق‌کم داریم . بامن بیا. فوری بکار مشغول خواهی شد.»

من ازاین رفیق چاق وچله تشکر کردم واظهارداشتم که با کمال میل‌کار خواهم کرد ولی نانوائی بلد نیستم .

نگاه شگفت‌آمیزی بمن کرد و گفت معلوم است از غوشی خوشم می‌آید.

من بدنبالش روان شدم . جلو یك بنای عظیم آهنی که دووازه زیبائی داشت متوقف شدیم. بالای این دو مجسمه بزرك برنز تکیه داده بودند. یکی برزگر بودودیگر دوگر. بدنشان نیروی بدن تقلوا مجسم میکرد . درچشمهاشان غرور آرامی می درخشید وبرافراشته داشتندوهاگرهای خودمان تفاوتشان‌اززمین تاآسمان بود. درسالون مرمریکه بیش از چهل متربلندی داشت وارد شدیم.

دراین محل غبارهای سفید وسبکی دیده میشد وماشینهائی مشغول‌کار بودند . دوزیر گنبد فلزی‌کیسه های آرد بخودی خود میآمدند وکاردی آنهاوا پاره میکرد وآرد خارج و دوطرف‌های خمیرگیری ریخته میشد ودستهای بزرك فولادی آنرا بخمیر مبدل کرده وخمیر در قالبها ریخته شده و این قالبها همینکه‌پرمیشد بسوی تنور وسیع وعمیقی‌که مانند دالانی بود وارد میشد . پنج یاشش نفر ساکت و بی‌حرکت مواظب‌کار این ماشین‌ها بودند . رفیقم بمن گفت :

« این نانواخانه قدیمی است . بزحمت روزی هشتاد هزارنان تولیدمیکند واین ماشینهاهم خیلی ضعیفند وکارگرزیادی برای مواظبت آنها لازم است. ولی‌چیزی ندارد برویالاآنجائی‌که آرد وارد میشود.

آژیر

سید ضیاءالدین در رل پهلوان دروغی

بقیه ازصفحه اول

اگر ازروی ظاهر کارقضاوت بکنیم ایشان را بایداز مغلوب شدگان محسوب داشت برای اینکه هنوز بتفاید بنا به هیچیشی دکتر مصدق ایشان منفرد مانده‌اند .

کار آقایان دکتر طاهری و کاشی و بهبهانی و طباطبائی را بحساب خود گذاشتن بخودتهمت زدن است . بنابعلاقی که در دست است ایشان را دیگر بیازی نمیگیرند و روز مخصوصاً وقتی که آقای دکتر کشاورز در جلسه مشترک فراکسیون منفردین و توده موضوع رشید بازو اصل مخالفت باآقای مغافری را فاش کردند آقای سیدضیاء لعین حال سیاربدی داشت

باوجود این آقایان بیکه اتلاف خنده آورده فراکسیون را پیش کشیدند باید این طرف بازی راهم ملاحظه بکردند

مخصوصاً اعضای فراکسیون آزادی تصور نمیکنیم برای خاطر آلت شدن برای اسکات شهوت و هوس جاه طلبی سیدضیاء الدین بان کار بیرحمانه تن درداده باشند .

عدالتی ها دقیقاً وزارت کشاورزی را لازم دارند

اعضای حزب عدالت بنابسابقه کهنی عده خود فراکسیون مخصوصی هنوز تشکیل نداده در فراکسیون منفردین شرکت میکنند . اگر منابع خبری و گیلیغانی را در نظر بگیریم این یک کار عاقلانه و مفیدی است بواسطه خود این حزب مزبور میتواند از نمایندگان منفرد حد اکثر استفاده را بکنند در صورتی که اگر بتواند تا آخر حسن نیت خود را ثابت نگهدارند

منابعاً شنیده میشود که این حسن نیت دارد از بین میرود . آقایان گویا میخواهند باگرفتن پست وزارت کشاورزی (برای آقای مقبل) باوا از مخالفت با اکثریت عقب بکشند .

این یک کار بسیار مضر و خطرناکی است بخود جامعه خود را برای همیشه عاجز ملاح خواهد کرد بعدازاین دیگر غیرممکن است بتواند اعتماد منفردین را جلب بکند وانگهی مردم امروز از اقلیت برای این حزب و طرفداری میکنند که روش آنها را درست تشخیص داده‌اند و حرف آنها را حساب میدانند واگر بنا باشد آقایان عدالتی ها اصلاح اساسی را بکنند و رعایت بکنند کاملاً مورد مردم را نسبت بخود جلب خواهند کرد .

این نکته بسیار غیرعاقلانه است نمایندگان احزاب که بعد در این سیل پیش آمد ها شهامت و شخصیت بخرج بدهند .

والاحزب غیر ممکن است بتواند در جامعه طرفدار پیدا کند

حنای اکثریون رنگ ندارد

از اکثریت افتادن جنابه پیشین باکثریت حالی کرد که کار باین آسانی هم نیست . اکثریت بخواهد میتواند انجام بدهد آنهم اکثریتی که پایه و اساسی ندارد آنهم اکثریتی که روی نیرنگ و شعبده تشکیل شده است آنهم اکثریتی که بیشده‌ان آن بدوام و بقای آن معتقد نیستند .

از این جهت روز سه‌شنبه آقایان بوحشت افتاده تمام مقاومت خودرا برای جلب منفردین بکار میبردند .

مطامین میگویند آنروز در کریدورها و اطاقهای پشت سالون رسمی مجلس بپا و بدرو وحرارت شدیدی مشاهده میشد اکثریون میخواستند در پشت پرده کاررا درست کرده آبروی از دست رفته خودرا در مجلس عالی حفظ و نگهداری بکنند .

تملق ، چاپلوسی ، تطمیع و بکار انداختن تمام وسایل شعبده بازی رواج کامل داشت ولی منفردین وتوده در تصمیم خود ثابت ومحکم بودند

بالاخره از فعالیت انفرادی مایوس شده برسمیت پرداخته آقایان فاطمی و دکتر طاهری و بهبهانی دکتر زنگنه و فرد اقلیت اعزام کرده معذرت خواستند .

شنیدیم آقای دکتر طاهری حرفرا بجای بسیار باریک کشانده گفته است

«اگر فرضاً بگوئید بدشد ، بی‌زاکتی شد ، غلط کردیم آیا از مخالفت دست برمی‌دارید ؟»

همچنین آقای بهبهانی و سایرین میخواستند بورژوبانی باشد اقلیت را خواهش کرده بجلسه بیرند

و در همین حال مدعی بودند که بدون حضور آنها هم اکثریت خواهند داشت .

ولی اقلیت دو جای خود محکم وثابت بود .

مخصوصاً آقای بهبهانی استفاده بسیاری نطق بسیار باحرارتی کرده گفته است ما نتوانستیم زیر بار زور برویم دکتر کشاورز از طرف فراکسیون توده موضوع را علنی کرده گفته است

« بانمایندگانی که برای تصویب اعتبارنامه پول بگیرند برای مسکوت گذاشتن پرونده کشف رشیدیان وزیر دادگستری و کابینه وزیران را ساقط میکنند همکاری نمیشود کرد این مانند آمیزش گرگ و بره است

یکعده به مملکت خیانت میکنند عده دیگر میخواهند جلو آنها را بگیرند چطور این دو گروه میتوانند با هم متفق شوند»

اینجور نمایندگانی هم هستند

مخصوصاً مورد گفتار شدید دکتر کشاورز اظهارات آقای اصف بوده است میگویند نماینده تبریک دوره ۱۴ پس از قاعده باقی طول دوراز گفته است درمجلس باید یک فراکسیون باشد و تمام فراکسیونها بهتر است متحل شود .

آتوقت مجلس میتواند برای مملکت کار بکند این هم یکنوع نماینده توطئه وری است که فقط در دوره چهارده می توانست درمجلس پیدا میشود

اکثریت نبود

مؤتلفین خیالی دلشان میخواست اکثریت بدست آورده جلسه علنی را رسمیت داده دولت را معرفی بکنند ولی نشد . ناچار دوباره نزد اقلیت نماینده فرستاده خواهش کردند درمجلس حضور بهم برسانند وقول دادند از عمر فردا دولت در جلسه روز مزبور صرفنظر بکنند این ثابت میکند که دولت اکثریت ندارد . وآقایان موتلفین از بیم شکست سخت درتکاپو افتاده وعده وعید را از حد

شاه سابق

بقیه ازصفحه اول

در یک بانک جداگانه بیکانه گذاشته میشد . مثلاً عواید فروش زغال و اینست در یک بانک ، عواید فروش برنج در یک بانک دیگر و گندم در بانک دیگر وقس علیهذا والخ

هفتاد میلیون تومان حد متوسط عایدات املاک درسنوات اخیره بود . با درنظر گرفتن طرز خرید و املاک از این منابع هرسنه وبه تاجیزی که بز سه الی چهار میلیون تومان تجاوز نمیکرد صرف و خرید املاک عده و جواهرات و مستغلات و غیره میگشت (مخارج ساختمان های قصرها و مستغلات شهری را چنانکه میدانیم شهرداری و بعد دوار مخارجه وزارت جنگ متعهد بودند) و قیه راه بانک‌های بیگانه را پیش میگرفت . برای اینکه برای صدور و خروج این سرمایه های هنگفت اشکال وجود نداشته باشد و بانک همیشه صاحبی بود رضای تمام بانک ملی و کمیسیون های اوز از قره توکر های معتمد اطمینان بود وبه وزرای رسیده‌هائی که برای جاه وملال آماده بهره‌کاری باشند انتخاب شود .

باینترتیب با استفاده از مصادرات هائی که برای دیگران وجود داشت سرمایه های مزبور که در سنه ۱۳ شصت میلیون تومان بالقریب بیست و پنج میلیون دولار بیانیم میگشت بعون اینکه نزدی در دفاتر بانک و کمیسیون اوز باقی بگذارد بآسانی بخارجه ایران صادر و بوسیله کمپانی خارجه و زه‌ها بکار سپرده میشد .

همه‌ی مقدمه بیکار از حق معدکه و محکومیت و بر کنار کردن دکتر اینه‌ات و همکارانش هم این بود که دست شاه برای صادر کردن پول بازباشد و بخصوص بی اعتراض بگیرد . از قرار معلوم بنا بنت عن‌الموارد خرید کارخانه و قوت آهن هم بنیم گرانبار از تروپ انجام شده که در بانک دولتی آلمان سپرده شده است . باینترتیب شاه سابق در ظرف دوسال آخر سلطنتش علاوه برشصت میلیون دولار که چهارده سال پیش داشته است درحدود سیصد میلیون دولار بیانک و خارجی انتقال داده است که باسیصد تومان هر دولار دو میلیارد تومان میشود .

شاه سابق درحساب ایران از بزرد ارپیسه‌ای ایران معروف پرسیده بود (آیا دارائیت به پانصد میلیون رسیده است ؟)

(البته منظورش دولار بوده زیرا تومان درتعارف جلوه‌ای نداشت)

از نحوای کلام او چنین بر میآید که پانصد میلیون همه‌ی بود که رضاخان برای خود تعیین کرده وازعدم وصول بمان میزان متاسف بود ومیخواست بیبیدآیا کسی دیگر از ایران این هدف رسیده است یاخیر . باری این یک میلیارد تومان مطابق صلح نامه متعلق بملت ایران است .

باسیصد و شصت ملیون دولار میتوان تمام خطوط آهن قرمی ایران را کشید میتوان تمام اعطوار ... مالکین را خریدو بازارتین تقسیم کرد و بتوضیح قوانین لازم سرمایه های ... را بسوی هدف صنعتی کردن کشور متوجه نمود . میتوان و میتوان خیلی کارها .

فقط برای وصول آن همت باید ملت حاکم برسرنوشت خود باشد و یک پارلمان ودولت ملی داشته باشیم .

در خانه پیروزی

روز سه شنبه ساعت ۷ بعد از ظهر نمایندگان سفارت بلژیک ورئیس اداره تبلیغات سفارت کبرای انگلیس در خانه پیروزی مجلس جشنی تشکیل شده بود

عده زیادی از اروپائیان در آن حضور داشتند حضور از مدیران و نمایندگان جراید تهران نیز دعوت شده بودند پس از صرف شام فیلم جدی وحقیقی مزرعه هندی نمایش داده شد .

این فیلم که سازنده آن از اعضاء روزنامه تایمز لندن استفاده کرده بود درروحیه حضرین تاثیر عمیقی بخشید .

جشن در کمال گرمی و صمیمیت خاتمه یافت

حرفهای اقلیت سر اصول است

اغلب منفردین حتی فراکسیون توده عملاً بانخست وزیری مساعد مصلحت نمیکنند . اینها میگویند اکثریت اصول را از بین میبرد فراکسیونها میتوانند بنام مجلس وزیر بتراشند اصلاً انتخاب وزراء از اختیارات مسلم رئیس دولت است ونظر همه مخالفین اینست که ساعد باستفاده دادن از کابینه جدیدی تشکیل بدهد این یک برد اصولی است وبایدهم بشود . اگر این اتفاق پیش نیآید آبروی مجلس کاملاً از بین میرفت بلاتکرار اقلیت ثابت کرد که تنها تشکیل وجلب اکثریت کافی نیست .

اقلیت هم میتواند کار بکند .

حتی بگفته هم وجودش موثر است

حکومت مشروطه زورش درمجلس است مولیان سخت اشتباه میکنند زور نماینده ومجلس رجعه‌ها و افکار عامه است امروز افکار عامه جدیداً مخالف عملیات زشت وحقیقتاً اکثریت است اینها آنقدر عامی و جاهلند از حوادثی که پیش چشمشان اتفاق میافتد نمیتوانند عبرت بگیرند .

خیال میکنند که همیشه روز کار با میل آنها رفتار خواهد کرد .

شاه سابق وزور وزور گوئی او عاقبت کارش را فراموش کرده‌اند

ونمیدانند که بقول شاعر :

نماند ستمکار بدروزگار

بماند براو لعنت کردگار

گذرانده بودند

باوجود این درجلسه رسمی شیراز مراسم تحلیف چندنفر از نمایندگان کار دیگری نتوانستند انجام بدهند بدین واسطه اقلیت زور وتوانائی خودرا ثابت کرد علاوه براین خطر واقعی در توی خود اکثریت است خود مولیان دارند بازی میکنند هیچ معلوم نیست کابینه فورا بعداز رای اعتماد سقوط نکند .

تلگرافها

اعتراض و تنفر

شورای متحده ایالتی کارگران خوزستان از اعتبار غیرقانونی عمال ارتجاع در مورد پرونده سازی بنفع خیانتکاران که موجب قتل کارگران بیگناه تبریز شده اند شدیداً ابراز تنفر و انزجار نموده واز رد اعتبارنامه و تلاش آزادی خواه آذربایجان حکمه مهد آزادی و مشروطیت است شدیداً اعتراض و مسئولین این فجایع را مجرمین قتل وخیم این گونه عملیات شناخته متوجه میسازد .

شورای متحده ایالتی کارگران خوزستان

دار مشروطه از صاله

وزارت کشور روزنوشت مجلس شورای ملی و روزنوشت تشکیلات اداری روزنوشت دیوان کشور روزنوشت دادگستری روزنوشت وزارت امروز روزنوشت آژیر وزنوشت وظیفه استوار دولت خواهی و سمت مجهول وبدون ارائه حکم ناظهار شفاهی خودرا مامور اعزامی در تبریز درداش بلاغ کافه کنان ملک شده‌ام اعتراض با استعمال اسلحه اهالی را تهدید بزور و بعد قرار متواری عدیده برادرم گرفتار مفقود گردیده‌اند عده دیگر گرفتار مادرم از احتمال قضیه ناگوان واحتمال مرگش قطعی اعمال قدرت استوارده پنجه تطبیع عامری مسلم می‌خواهند نصرت‌الله سی‌ساله بقدرا بشرح پرونده حقوقی بالسال در دادگاه خانه یافته برابر حکم دادگاه ملک شده بلامارش اقدامات استوار با مقررات کشوری مخالف روز اتفاقات سوءعدز نظر اعمر ادامه‌ام مبارک رجال غیرشدند گرفتار اسرحاموجلو گیری از اقدامات بی رحمانه استوار مادی در خواست پناهنده تلگرافیانه منتظر وحه حسن‌ها حت

بازهم اعتراض

واه آهن بر صفد واجع بعملیات و تشبثات اولیای امور آذربایجان که بی علیه کارگران بیگناه تبریز پرونده‌سازی میکنند ومی‌خواهند روی اعمال جنایت کبارا نا لین کارگران پرده‌پوشی بنمایند متعرض و منزجرم . از هیئت حاکمه انتظار داریم برای محو نابودی آزادی خواهان وستم کشان ایران اقدامی نمود و بدستگاه استبداد و ارتجاع بیش از این کمک نمایند .

ازطرف کارگران حکیمی

شدیداً اعتراض میکنیم

کمیته ایالته حزب توده از طرف کلیه کارگران وروشنفکران وآزادی خواهان خوزستان بدین وسیله مراتب نفرت و انزجار خودرا نسبت بعملیات خائنانه ودسیسه های مرتجعین و اولیاء امور آذربایجان در مورد پرونده‌سازی بنفع قاتلین و جنایتکاریانی که موجب قتل کارگران بیگناه تبریز شده‌اند شدیداً ابراز و همچنین از نوشتن که بواسطه رد اعتبارنامه وکلای آزاد خواه آذر بایجان بمردم و ورآسمان واردآمده بشدیداً مشروطیت اظهار تنفر نموده نظر مسئولین امورا بموافت وخیانت گونه عملیات مرتجعانه متوجه میسازیم

کمیته ایالتی حزب توده خوزستان

www.iran-archive.com